

Islamic Law and Jurisprudence Studies
Volume 15, Consecutive Number 32, autumn 2023
Issn:2717-0330

Journal Homepage: <https://feqh.semnan.ac.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Status and legal effects of signature defects in the preparation of documents

Pourarshad.Nader¹

1: Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (naderpourarshad@gmail.com)

Signing a writing is, in essence, a voluntary creation and one-sided legal act, the effectiveness of which, in addition to the ability of the signatory, requires two conditions, namely, the intention to act and the result. Formally, it should be the exclusive mark of hand rotation, fingerprint or stamp. If the signature is complete, it causes two legal and judicial effects in such a way that, firstly, it involves the apparent will in creating a creative legal act, the subject of the writing such as offer, acceptance, rescission or declarative such as confession, testimony and claim. Secondly, but what is a complete signature and what is the defect in the signature? What is its criterion and basis and what is its sanction? The present article answers each of these questions with a descriptive-analytical method and concludes that the signature in its general meaning may be single or multiple and is made in principle or representationally. In each case, the law, contract or effective declaration specifies that the signature is complete or incomplete. Incomplete signature is not effective, but as the case may be, it can be the cause and reason of civil, contractual and criminal responsibility for its owner.

Keywords: signature, stamp, fingerprint, signature defect, full signature

- N. Pourarshad (2023). Status and legal effects of signature defects in the preparation of documents, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(32), 189-208.

[Doi: 10.22075/feqh.2022.27605.3301](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27605.3301)



فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵ - شماره ۳۲ - پاییز ۱۴۰۲

صفحات ۱۸۹ - ۲۰۸ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۴/۰۴ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۶/۲۶ - پذیرش ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

وضعیت و آثار حقوقی نقص امضاء در تنظیم اسناد

نادر پورارشاد^۱

۱: استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

naderpourarshad@gmail.com

چکیده

امضاء یک نوشته از نظر ماهوی، عمل حقوقی ارادی انشائی و یک طرفه است که اثربخشی آن علاوه بر اهلیت صاحب امضاء، مستلزم دو شرط یعنی قصد فعل و نتیجه می باشد. از نظر شکلی نیز باید علامت انحصاری چرخش دست، اثر انگشت و یا مهر باشد. امضاء اگر کامل باشد موجب دو اثر حقوقی و قضایی می شود؛ به این نحو که اولاً، متضمن اراده ظاهری در ایجاد عمل حقوقی انشائی موضوع نوشته مانند ایجاب، قبول، فسخ و یا اخباری مانند اقرار، شهادت و ادعا است؛ ثانیاً، نوشته را به سند تبدیل می کند اما امضاء کامل چیست و نقص در امضاء چگونه است؟ ملاک و مبنای آن چه بوده و از چه ضمانت اجرا و آثاری برخوردار است؟ مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به هر یک از این سؤالات پاسخ داده و چنین نتیجه گرفته که امضاء به معنای عام آن ممکن است واحد یا متعدّد بوده و اصالتاً یا نیابتاً صورت گیرد؛ در هر مورد، قانون، قرارداد یا اعلان مؤثر مشخص می کند که استثنائاً امضاء، متعدّد باشد. امضاء ناقص نسبت به عمل حقوقی موضوع نوشته و تبدیل نوشته به سند مؤثر نیست، لیکن می تواند حسب مورد «علت» و «دلیل» مسئولیت مدنی قراردادی و خارج از قرارداد و یا کیفری صاحب آن باشد.

کلیدواژه: امضاء، مهر، اثر انگشت، نقص امضاء، امضاء کامل.

- پورارشاد، نادر (۱۴۰۲) وضعیت و آثار حقوقی نقص امضاء در تنظیم اسناد. مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، شماره ۳۲، صفحات ۱۸۹ - ۲۰۸.

Doi: [10.22075/feqh.2022.27605.3301](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.27605.3301)

مقدمه

امضاء و معادل های قانونی آن یعنی اثرانگشت و مهر، یک عمل حقوقی ارادی یک طرفه بوده که با قصد فعل و نتیجه محقق شده و موجب دو اثر است: یکی اعلام اراده نسبت به عمل حقوقی موضوع نوشته؛ و دوم، تبدیل نوشته به سند. از این دو اثر به عنوان آثار حقوقی (ثبوتی) و قضایی (اثباتی) امضاء نیز یاد می شود. امضاء اصولاً به صورت واحد انجام می شود، اما گاه به حکم قانون و یا توافق باید به صورت متعدد انجام گیرد تا واجد هر دو آثار یاد شده باشد. بحث از امضاء و معادل های قانونی آن معمولاً در کتب ادله اثبات دعوی و به هنگام بحث از سند مطرح می شود، اما بحث های مزبور، سطحی و گذرا بوده و همه موضوعات مرتبط با امضاء را در بر نمی گیرند. یکی از این موضوعات که در مقاله حاضر مورد بحث قرار گرفته و فاقد هرگونه سابقه پژوهشی است موضوع «نقص امضاء» می باشد. پیرامون این موضوع در نظر و عمل، سؤالات مختلفی مطرح می شود. در رویه قضایی و اندیشه های حقوقی نیز فقط به برخی از این سؤالات پاسخ های مختلف داده شده است؛ از جمله این که به طور کلی نقص امضاء چه مفهومی دارد و حکم آن چیست و آیا می توان آن را در قالب انواع و حالت های مختلف تجزیه و تحلیل نمود؟ در ذیل این سؤالات با یک سؤال مهم دیگری نیز روبرو می شویم و آن استفاده از مهر در کنار امضاء (به معنای خاص) می باشد که بیشتر در مورد اسناد اشخاص حقوقی مرسوم است. در این خصوص، سؤال این است که آیا اساساً چنین فرضی تعدد امضاء بوده تا در صورت فقدان یکی از آنها نقص امضاء رخ دهد؟ همچنین در مورد این نوع اسناد، صرف استفاده از مهر یا امضاء حسب مورد چه حکمی می تواند داشته باشد؟ سؤالات اخیر پیرامون استفاده از مهر شخص حقیقی در کنار امضای او یا نماینده اش نیز مطرح می باشند.

۱- تعریف امضاء

امضاء در لغت به معنای گذراندن، روان کردن و یا علامت و اسمی است که پای نامه یا سند می گذارند (عمید، ۱۳۶۰: ۱۵۷). امضاء، واژه ای با بار حقوقی است که

کاربرد آن نیز منحصرأ در علم حقوق می باشد. اصطلاح امضاء در حقوق و فقه در سه معنا به کار می رود که هر کدام از این معانی از معنای لغوی امضاء دور نیست: اول به معنای اجازه یا تنفیذ عمل حقوقی غیر نافذ، مانند امضای عقد مکره، مذکور در ماده ۲۰۹ قانون مدنی؛ دوم به معنای شناسایی یک عرف و عادت از طرف شارع اسلام؛ امضاء در این معنا در مقابل تأسیس است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۸۱) و سوم، به معنای نوشتن اسم یا اسم خانوادگی یا هر دو یا رسم علامت خاص که نشانه هویت صاحب علامت است. در ذیل اوراق و اسناد عادی و رسمی که متضمن وقوع معامله یا تعهد یا اقرار یا شهادت و مانند آنها است (صدرزاده افشار، ۱۳۷۰: ۹۱).

امضاء با توجه به معنای سوم، دارای سه مصداق است: دستینه یا اثر دست یا امضاء به معنای خاص، اثر انگشت و مهر. این سه از نظر مقنن تنها اشکال شناخته شده امضاء بوده و اصولاً معادل همدیگر هستند (صدرزاده افشار، ۱۳۷۰: ۹۶؛ شمس، ۱۳۸۸: ۹۰؛ پورارشد، ۱۳۹۰: ۷۸)؛ بنابراین کاربرد هر کدام به جای دیگری جایز است مگر این که برحسب قانون، قرارداد، عرف و اعلان، خلاف آن شرط شده باشد.^۱

قانون امضاء را تعریف نکرده و فقط برخی از احکام آن را بیان داشته است؛ بنابراین برای دریافت تعریف امضاء باید به عرف مراجعه کرد (علومی، ۱۳۸۶: ۱۳۰). بر اساس احکام قانونی و تعریف عرفی امضاء چنین بر می آید که اولاً، اصل بر ساده بودن و وحدت امضاء است؛ یعنی این که امضاء، اثر انگشت و مهر اصولاً و معمولاً با ساده ترین شکل، آن هم با یک بار انجام می گیرند؛ ثانیاً، هر جا اصطلاح امضاء به کار رود منظور معنای عام آن است مگر این که قرینه ای بر معنای خاص آن دلالت نماید.

۲- شرایط امضاء

۱. در مورد صدور چک و یا ظهورنویسی و قبول شخص ثالث در اسناد تجاری به معنای خاص فقط امضاء به معنای خاص یا دستینه، به نوشته و عمل حقوقی موضوع آن اعتبار و سندیت می بخشد (دمرچیلی، ۱۳۸۵: ۵۸۳؛ ثابت سعیدی، ۱۳۸۶: ۱۹۸). ماده ۳۴ آئین دادرسی مدنی مثالی برای استفاده تخیری از امضاء و معادل های آن می باشد. بند ۷ همین ماده نیز مثالی برای استفاده ترتیبی از امضاء و معادل های آن است.

امضاء زمانی دارای اثر است که کامل باشد و امضای کامل، مستلزم دو شرط است:

۲-۱- شرط ماهوی

شرط ماهوی امضاء، شامل قصد فعل در ایجاد امضاء و قصد نتیجه یا التزام به آثار امضاء است. قصد فعل به این معنا که ایجاد کننده امضاء باید دارای قصد ایجاد امضاء باشد (Shears, 1987: 175) بنابراین اگر فردی بدون آن که قصد ایجاد امضاء داشته باشد بر اثر چرخش تصادفی قلم، علامتی به ظاهر مانند امضاء ایجاد کند این اثر به علت عدم قصد فعل در ایجاد آن، امضاء به حساب نمی آید؛ همچنین امضاء فردی که از باب تفتن یا تمرین اما با قصد فعل مبادرت به نقش علامت بر روی کاغذ و در زیر نوشته ای می نماید کامل نبوده و واجد اثر نمی باشد، چون قصد نتیجه یا التزام به آثار امضاء نداشته است (پورارشاد، ۱۳۹۴: ۲۸).

۲-۲- شرط شکلی

از نظر شکلی، امضاء باید یک علامت انحصاری باشد؛ این علامت اگر با قلم و در اثر چرخش دست ایجاد شود به آن دستینه یا امضاء به معنای خاص گفته می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۲۹۰). در این صورت امضاء ممکن است ساده باشد، مثل ترسیم یک خط یا حتی نوشتن اسم و یا اسم خانوادگی؛ و یا مرکب باشد مانند ترسیم خطوط چندگانه به همراه اسم و اسم خانوادگی (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۲: ۷۳۲). همچنین ممکن است امضاء واحد یا متعدد باشد؛ به این نحو که تک امضایی یا چند امضایی باشد. امضاء از نظر شکلی به دو گونه دیگر هم پذیرفته شده است: یکی اثر انگشت و دیگری مهر.

۳- ماهیت حقوقی امضاء

خود امضاء - صرفنظر از موضوع یا متعلق آن - از نظر حقوقی یک عمل حقوقی ارادی انشائی یک طرفه است؛ به همین علت است که برای تحقق امضاء به دو شرط: یکی قصد فعل و دیگری قصد نتیجه نیاز است (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۰: ۲). خود امضاء همزمان نسبت به موضوع یا متعلق آن و نیز ایجاد یک وضعیت جدید به نام سند

- به ویژه اگر سند تجاری به معنای خاص باشد - نیز اثر انشائی دارد (بهرامی، ۱۳۸۲: ۴۹).

برای تحقق امضاء، اراده صاحب امضاء لازم و کافی است (سلمان زاده و عباسی، ۱۳۹۷: ۱۸۷)؛ لیکن مطابق ماده ۴۴۹ قانون مدنی، اراده باطنی هم چون سایر ایقاعات باید به نحوی ابراز شود. مبرز در سایر اعمال حقوقی می تواند لفظ، نوشته و رفتار باشد اما مبرز عمل حقوقی امضاء منحصرأ یکی از اشکال شناخته شده امضائات، یعنی امضاء به معنای خاص، مهر و یا اثر انگشت است.

خود امضاء از مقوله حق بوده و حق تمتع و استیفاء از آن به هم پیوسته است؛ بر این اساس، همه اشخاص بجز اشخاص حقوقی و صغیر و مجنون به طور کلی و سفیه در امور مالی از اهلیت تمتع و استیفاء آن برخوردار هستند. به همین علت است که اشخاص اخیر، فاقد امضاء و معادل های آن هستند. ممکن است اشخاص اخیر دارای مهر باشند، لیکن چون اساساً فاقد امضاء و اثر انگشت می باشند مهر آنها جایگزین امضاء و اثر انگشت آنها نبوده و صرفاً یک نشان و نماد انحصاری مورد حمایت قانون می باشد. حق امضاء بسته به متعلق آن ممکن است حق مالی یا غیر مالی باشد.

۴- آثار امضاء

امضاء اگر کامل باشد به طور همزمان دارای دو اثر حقوقی (ثبوتی) و قضائی (اثباتی) است (ساجدی و اماسکی، ۱۴۰۰: ۲۹۹).

۴-۱- اثر حقوقی یا ثبوتی

این اثر ممکن است جنبه انشائی داشته باشد، مثل مواردی که امضاء، مبین اراده ایجاب یا قبول یا فسخ مندرج در نوشته است؛ و یا دارای جنبه اخباری باشد مانند هنگامی که امضاء کننده، اراده خود مبنی بر اقرار یا شهادت و یا ادعا را با امضاء بیان می کند (امامی، ۱۳۷۴: ۱۶۸/۶؛ علومی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

۴-۲- اثر قضایی یا اثباتی

وقتی که نوشته ای امضاء می شود جدا از تحقق عمل حقوقی انشائی یا اخباری موضوع آن، یک وضعیت حقوقی جدید دیگری نیز به طور همزمان ایجاد می شود و آن تبدیل نوشته به سند است. سند از امتیازات قانونی برخوردار بوده و از ادله اثبات دعوی به شمار می آید. از اینرو ذینفع نوشته با تبدیل شدن آن به سند از یک حق دیگری هم به نام سند برخوردار می شود (شمس، ۱۳۸۸: ۸۰).

۵- نقص امضاء

نقص امضاء به معنای کاستی و نقصان در امضاء بوده و دارای دو معنای عام و خاص است:

۵-۱- نقص امضا به معنای عام

نقصی است که به هر علتی موجب می شود به امضاء، ترتیب اثر حقوقی و قضایی داده نشود؛ در این معنا ممکن است امضاء در ظاهر هیچگونه کاستی و نقصی نداشته باشد اما به جهت این که به چنین امضایی ترتیب اثر داده نمی شود امضاء را ناقص تلقی و به سند موضوع آن، سند ناقص امضاء می گویند؛ مثل هنگامی که امضای صادرکننده چک با امضای معرفی شده از او نزد بانک مطابقت نداشته باشد؛ در این صورت، به چک ترتیب اثر داده نشده و اصطلاحاً گفته می شود سند از جهت امضاء، دارای نقص است. این نوع نقص امضاء در واقع به منزله عدم امضاء است و مبنای آن قرارداد طرفین می باشد؛ در این مورد، حتی اگر امضای صاحب حساب برای بانک مسلم باشد چون با امضاء معرفی شده مطابقت ندارد به آن ترتیب اثر داده نمی شود.^۱

۱. ماده ۴ قانون صدور چک: «هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده (۲) پرداخت نگردد، بانک مکلف است بنابر درخواست دارنده چک فوراً غیر قابل پرداخت بودن آن را در سامانه یکپارچه بانک مرکزی ثبت نماید و با دریافت کد رهگیری و درج آن در گواهینامه ای که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادر کننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر و به متقاضی تسلیم نماید. به گواهینامه فاقد کد رهگیری و فاقد مهر شخص حقوقی در مراجع قضائی و ثبتی ترتیب اثر داده نمی شود.

در برگ مزبور باید مطابقت یا عدم مطابقت امضای صادرکننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری) از طرف بانک گواهی شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادرکننده چک، فوراً نسخه دوم این

۵-۲- نقص امضاء به معنای خاص

نقص امضاء به معنای خاص کاستی و نقصان در شکل و هیأت امضاء است که در دو فرض قابل بررسی می باشد:

فرض اول نقص در امضای واحد، و آن هنگامی اتفاق می افتد که امضاء کننده از امضای کامل به طور قهری یا ارادی منصرف شود. البته امضای ناقص در این فرض با امضای مختصر یا پاراف و یا کوچک تر نمودن ابعاد امضاء که در هر دو حالت امضای کامل می باشند متفاوت است. سؤالی که در این فرض مطرح می شود آن است که اگر امضاء کننده امضای خود را ناقص رها کند آیا این اندازه از اثری که بر جای نهاده، امضاء تلقی می شود؟ به بیان دیگر، آیا ملاک امضاء آغاز آن است یا پایان آن؟ با توجه به عرف، شیوع و غلبه به نظر می رسد پایان امضاء، ملاک تحقق آن باشد مگر این که خلاف آن ثابت شود زیرا در امضاء ناقص اراده باطنی و ظاهری انشاء امضاء کامل نیست و عرفاً به چنین اثری امضاء گفته نمی شود (پورارشد، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

فرض دوم نقص در امضای متعدد، و آن هنگامی اتفاق می افتد که در تعداد امضائات لازم، کسری وجود داشته باشد. امضای متعدد از نظر شکلی ممکن است شامل امضاء و امضاء، امضاء و مهر، امضاء و اثر انگشت، اثر انگشت و مهر، یا امضاء و مهر و اثر انگشت باشد.

اصولاً امضاء واحد، لازم و کافی است اما گاه لازم است امضاء به صورت امضاء های متعدد باشد. لزوم تعدد امضاء ممکن است بنا به حکم قانون باشد؛ مانند لزوم امضاء و مهر گواهی عدم پرداخت چک که در ماده ۴ قانون صدور چک آمده است و یا قرارداد امضاء کننده (گان) با ذینفع سند باشد مانند قرار داد صاحب حساب و بانک در مورد صدور چک که این هم در ماده ۴ قانون صدور چک به آن اشاره شده و یا اعلان امضاء کننده (گان) باشد، مانند آن چه که در اساسنامه شرکت های تجاری پیرامون

برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است، ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده چک نیز قید گردد» (اصلاحی سال ۱۳۹۷).

صاحبان حق امضاء به آن تصریح می شود. در دو مورد اول، تردیدی در لزوم تعدد امضاء نیست اما در مورد سوم زمانی می توان قائل به لزوم تعدد امضاء شد که این امر به نحو مؤثری اعلان شود؛ یعنی به اطلاع ذینفع سند رسیده یا بتوان ذینفع سند را مطلع فرض نمود (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۷۰-۲۷۱)؛ مورد اخیر نیز مصداقی از مورد دوم است. بنابراین وجود هر یک از موارد فوق، شرط قابلیت استناد به لزوم تعدد امضاء است. نقص در تعدد امضاء، در دو حالت قابل بررسی است: این که امضاء کننده یک فرد باشد، یا افراد متعدد.

الف) نقص در امضای متعدد به هنگامی که امضاء کننده - اعم از اصیل یا نماینده - واحد باشد

در این حالت، صاحب امضاء یک فرد بوده لیکن می باید چندین امضاء - به معنای عام و یا خاص آن - نماید به نحوی که مجموع امضاء ها در حکم یک امضاء است. بنابراین نقص در تعداد امضاء های لازم به منزله عدم امضاء می باشد و امضاء یا امضاء های موجود در تبدیل نوشته به سند و ایجاد عمل حقوقی موضوع آن اثری ندارد و فقط ممکن است از باب تسبیب، موجب مسئولیت مدنی برای صاحب امضاء شود. در خصوص لزوم تعدد امضاء توسط یک شخص اصالتاً یا نیابتاً موردی در قوانین مشاهده نمی شود و فقط در رویه بانک ها به هنگام وصول چک، لزوم دو امضاء در ظهر چک معمول است. البته توافق و اعلان لزوم تعدد امضاء در فرض مورد بحث امکان پذیر است و می تواند از جهت جلوگیری از جعل امضاء مفید باشد. همچنین مرسوم است که برخی از صاحبان مشاغل مانند پزشکان و وکلا به هنگام امضاء نوشته در موضع طبابت و کالت، مهر خود را در کنار امضاء شان درج می کنند. این امر در صورت فقدان تصریح قانونی یا قراردادی، صرفاً از باب افضاء و تأکید بر عنوان امضاء کننده تلقی می شود؛ بنابراین عدم درج مهر همراه با امضاء اصولاً موجب نقص در امضاء به عمل آمده نیست،

1. Formalites de publicite

برای دیدن مواردی از اعلان مؤثر و تأثیر آن در حقوق ایران به مواد ۳۹۷ و ۳۹۹ قانون تجارت مراجعه شود.

زیرا اصل بر وحدت و بسیط بودن امضاء است و اراده صاحب امضاء، با یکی از اشکال سه گانه امضاء ابراز می گردد.

ب) نقص در امضای متعدد به هنگامی که امضاء کنندگان متعدد باشند

انتساب اعمال حقوقی مندرج در بعضی از نوشته ها به اشخاص، ممکن است حالات مختلفی داشته باشد؛ بر همین اساس، سندی که در هر یک از حالات مزبور شکل می گیرد به تعداد امضای این اشخاص بستگی خواهد داشت. در ادامه به ذکر موارد مختلفی می پردازیم که شکل گیری اسناد به امضای متعدد نیاز دارند و سپس عارض شدن حالت نقص امضاء و حکم آن را در هر کدام بررسی می کنیم.

مورد اول، نقص امضاء در اسنادی است که امضای آنها باید اصالتاً از سوی بیش از یک شخص صورت گیرد؛ مانند فسخ نامه موضوع ماده ۴۳۲ قانون مدنی که تنظیم سند به بیش از یک امضاء نیاز دارد؛ حال اگر امضاء های لازم انجام نگیرد سند دچار نقص امضاء می شود و در نتیجه نوشته مزبور، فاقد اثر حقوقی و قضایی است.

مثال دیگر برای این مورد، هنگامی است که دو یا چند شخص، حساب مشترکی را در بانک افتتاح نمایند؛ در این صورت، چک باید به امضاء همه آنها برسد تا به آن ترتیب اثر داده شود. در این فرض، صرف امضاء و تسلیم سند تجاری (چک) توسط یکی از صاحبان حساب نیز با دو نظر روبه رو شده است: یکی این که چنین نوشته ای

۱. در صورتی که در یک عقد با یک نفر و مشتری متعدّد باشد و در مبيع عیبی ظاهر شود یکی از مشتری ها نمی تواند سهم خود را به تنهایی رد کند و دیگری سهم خود را نگاه دارد مگر با رضای بایع و بنابراین اگر در ردّ مبيع اتفاق نکردند فقط هر یک از آنها حقّ ارض خواهد داشت.

سند است اما چک نیست؛^۱ و نظر دوم آن است که نوشته مزبور هم سند و هم چک بوده اما چک پرداخت نشدنی است (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۶: ۳۵۱؛ دمرچیلی، ۱۳۸۵: ۵۸۴).^۲ به نظر می‌رسد در این مورد باید به چند نکته توجه داشت:

نکته اول این است که اگر شرایط استناد به لزوم تعدد امضاء فراهم باشد نوشته مزبور حتی علیه امضاء کننده نیز سندیت نخواهد داشت؛ یعنی آثار حقوقی و قضایی سند که قبلاً راجع به آنها بحث شد محقق نمی‌شوند و فقط ممکن است امضاء به عمل آمده، «علت» و «دلیل» جرم و یا شبه جرم بوده و در تحقق و اثبات مسئولیت کیفری و مدنی مؤثر باشد. نکته دوم آن است که شرایط استناد به لزوم تعدد امضاء فراهم نباشد؛ در این صورت، امضاء واحد نسبت به موضوع نوشته و تبدیل آن به سند، مؤثر است و لذا می‌تواند مانند یک سند مدنی، مورد استناد ذینفع سند قرار گرفته و مبنای مسئولیت مدنی قراردادی امضاء کننده نسبت به کل مبلغ مندرج در آن واقع شود^۳ و در قالب ماده ۱۹۶

۱. نظر به این که به موجب مقررات قانون تجارت، امضاء از شرایط اصلی چک است و ماده یک قانون چک مصوب ۱۶ تیرماه ۱۳۵۵ با وجودی که چک های صادره عهده بانک های ... را در حکم اسناد لازم الاجراء محسوب داشته، صدور اجرائیه نسبت به چک های پرداخت نشده را به مطابقت امضای چک با نمونه امضاء صادرکننده در بانک محالاً علیه به وسیله مقامات هم متضمن ترتیب اشاره شده می‌باشد و با توجه به این که از بررسی مجموعه مقررات مربوط به چک مسلم می‌شود که امضای چک شرط اطلاق عنوان چک مزبور به اوراق و نوشته جاتی است که صورتاً و معمولاً چک گفته می‌شود در مواردی که چک با امضانات متعدّد قابل پرداخت است فقدان هر یک از امضانات معرفی شده و موجود در بانک محالاً علیه وصف قانونی را از چک سلب می‌نماید و در مانحن فیه، چک صادره ... چک محسوب نمی‌شود تا محکومیت صادرکننده بر طبق مقررات قانونی چک قابل توجیه باشد (رأی راجع به پرونده کلاسه ۳۲۱-۱۳۷۱/۱۱/۱، شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور، بازگیر، ۱۳۷۷: ۱۹۶-۱۹۵).

۲. ضمناً در این مورد، ماده ۱۹۱ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی مصوبه ۱۳۸۷ بیان می‌دارد: «در مواردی که صاحبان حساب متعدّد بوده و چک با امضای احد از آنان باشد، اجرائیه علیه امضاء کننده نسبت به مبلغ چک صادر می‌شود».

۳. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۱۳۷۳/۹/۶/۷/۵۹۳۸، ضمن پذیرش این تحلیل اعلام نموده است: «مطالبه وجه چک از کسی که آن را امضاء نکرده خالی از وجهت قانونی است، چه از حساب مشترک باشد و چه غیر آن»؛ این رویکرد در آرای قضایی هم تجلی یافته است؛ برای نمونه در دادنامه شماره ۹۳۰۹۸۷ مورخه

قانون مدنی قابل توصیف و تحلیل باشد؛ به این نحو که امضاء کننده برای خود مبادرت به عمل صدور چکی نموده که فاقد شرایط لازم است؛ در این صورت، نوشته مزبور نسبت به امضاء کننده - فارغ از این که چک باشد - یک سند غیر تجاری است.

مورد دوم هنگامی است که دو یا چند نماینده (اعم از قراردادی، قانونی و قضایی) به حکم قانون و یا قرارداد لازم باشد نوشته را امضاء کنند؛ مانند آن که برای یک شخص بیش از یک وصی به نحو اجتماع تعیین شده باشد، یا این که شخصی، بیش از یک وکیل به طور همزمان اختیار کرده باشد به طوری که وکالت آنها به نحو مستقل نباشد. در هر یک از این مثال ها تنظیم سند نیاز به امضای تمام نمایندگان دارد و چنان چه یکی از این امضاها کم باشد سند دچار نقص امضاء واقعی و در نتیجه، فاقد اثر خواهد بود.^۱ در این موارد معمولاً در وکالتی که به طور همزمان به وکلا داده می شود موضوع تعدد وکلا و این که مجتمعاً وکیل هستند، قید می شود و اگر اجتماع آنها هم قید نشود تعدد وکلا عرفاً ظهور در اجتماع آنها دارد، همچنان که مواد ۶۶۹ و ۶۷۰ قانون مدنی نیز بر همین مبنا اصل را بر اجتماع وکلای متعدد گذاشته است. با این حال، ماده ۳۹۷ قانون تجارت در مورد تعدد قائم مقام تجاری، استثنائاً اصل را بر امکان اقدام انفرادی گذاشته مگر این که خلاف آن قید شده باشد.

۹۳/۹/۵ صادره از شعبه ۱۱۱ دادگاه عمومی تهران آمده است: در فرض چک های صادره از حساب مشترک، با عنایت به این که خوانده ردیف دوم ذیل چک ها را امضاء ننموده و صرفاً صاحب حساب می باشد دعوی متوجه ایشان نیست و مسئولیت صرفاً متوجه شخصی است که ذیل چک را امضاء نموده است. همچنین در دادنامه شماره ۹۴۰۵۱۵ مورخه ۹۴/۵/۱۱ صادره از همان شعبه، این استدلال در حساب های مشترک پذیرفته شده است.

۱. اساساً نظر به این که به موجب پاسخ استعلام واصله از اداره کل ثبت شرکت ها وارده به شماره ۴۹۰ به تاریخ ۱۳۷۰/۲/۲۳ دارندگان حق امضاء در اسناد تعهد آور در شرکت با مسئولیت محدود دو نفر می باشند و مندرجات ظهر چک مستند دعوی حاکی است که ظهنویسی توسط احد از آنان به عمل آمده و با این وصف به نظر دادگاه انتقال وجه چک به نحو قانونی صورت نگرفته است. علیهذا دادگاه خواهان را ذیحق در مطالبه وجه چک تشخیص نداده، حکم به بی حقی وی را صادر و اعلام و ... « (رای شماره ۱۰۲۶ و ۱۰۲۷ - ۱۳۷۰/۱۲/۱۴ شعبه ۲۴ دادگاه حقوقی ۲ تهران، به نقل از: کامیار، ۱۳۷۶: ۱۳۳-۱۳۴).

ممکن است موکل، دو یا چند وکیل به نحو تعدد و اجتماع اختیار نموده و صرفاً یکی از آنها مبادرت به امضاء نوشته نماید؛ در این صورت، اگر شرایط استناد به لزوم تعدد امضاء فراهم باشد - مانند آن چه که در ماده ۳۹۷ قانون تجارت آمده - نوشته مزبور به جهت نقص امضاء، نسبت به موکل فاقد آثار خواهد بود. این نکته را البته مواد ۶۶۳، ۶۶۷، ۶۶۹ و ۶۷۴ قانون مدنی نیز تأیید می کنند.

اگر شرایط استناد به لزوم تعدد امضاء فراهم نباشد ممکن است عمل انجام شده حسب مورد در قالب ماده ۱۹۶ قانون مدنی و یا عمل فضولی - اعم از این که تنفیذ یا ردّ شود - قابل توصیف و تحلیل باشد. اگر عمل انجام شده در قالب ماده ۱۹۶ قانون مدنی بگنجد نوشته نسبت به امضاء کننده، سند و در نتیجه، واجد آثار تلقی می شود و اگر عمل انجام شده در قالب عمل فضولی توصیف شود در این صورت، سندیت نوشته به تنفیذ و ردّ موکل بستگی دارد؛ چنان چه عمل فضولی تنفیذ شود نوشته نسبت به موکل، سندیت دارد و اگر ردّ شود نوشته نسبت به هیچ شخصی سندیت ندارد؛ لیکن امضاء نماینده، علت و دلیل جرم و یا شبه جرم تلقی شده و حسب مورد، مسئولیت کیفری و مدنی غیر قراردادی امضاء کننده را در پی خواهد داشت.

بنا به یک نظر، در شرکت های سهامی به استناد مواد ۱۱۸ و ۱۲۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ اعلان به عمل آمده در اساسنامه یا تصمیمات ارکان شرکت پیرامون لزوم تعدد امضاء ها در نوشته های شرکت، بر اساس تئوری عمل به ظاهر اعلان لزوم تعدد امضاء، غیر مؤثر تلقی شده؛ بر این اساس، نقص در امضاء در برابر ذینفع سند قابل استناد نیست (ولی زاده، ۱۳۸۴: ۵۴). این دیدگاه با نظرات مخالفی روبرو بوده و هست. رأی شماره ۱۸/۳۴۲/۶۸ مؤرخ ۶۸/۵/۳۱ شعبه ۱۸ دیوان عالی کشور سفته ای را که به امضای یکی از صاحبان حق امضا رسیده، علیه شرکت سهامی قابل استناد ندانسته است (بازگیر، ۱۳۷۸: ۲۲۹؛ نجفی، ۱۳۸۴: ۳۲).

مورد سوم نقص در امضاهای متعدّد، مربوط به جایی است که موجودیت سند در ظاهر، نیاز به امضای نماینده و اصیل دارد^۱ و اصیل ممکن است شخص حقوقی و یا حقیقی باشد. معمولاً این مورد بیشتر درباره اسناد صادره از سوی اشخاص حقوقی بحث می شود؛ مانند آن چه در ماده ۴ قانون صدور چک آمده است. اشخاص حقوقی، امضاء به معنای خاص^۲ (دستینه) و نیز اثر انگشت ندارند اما می توانند و یا باید دارای مهر باشند. اعمال حقوقی اشخاص حقوقی، از سوی نماینده یا نمایندگان آنها انجام می شود. چنان چه شخص حقوقی دارای یک نماینده باشد اعمال حقوقی و تنظیم اسناد از سوی شخص حقوقی با امضای نماینده صورت می گیرد و اصولاً نیازی به مهر شخص حقوقی ندارد.^۳ چنان چه نماینده به جای درج امضای خود، فقط از مهر شخص حقوقی استفاده کند - حتی اگر او مختار به این کار باشد - این مهر نمی تواند اثری در ایجاد عمل حقوقی و سند داشته باشد، زیرا مهر، منسوب به شخص حقوقی بوده و شخص حقوقی اهلیت استیفا ندارد و اعمال او از جمله اعمال حقوقی مندرج در نوشته و امضای نوشته باید توسط نماینده انجام شود؛ در این صورت، امضای نماینده، امر مستقلی از مهر شخص حقوقی منوب^۴ عنه می باشد. با این حال، معمولاً نماینده شخص حقوقی، امضای خود را درج می کند و برای این که نمایندگی خود را برای ذینفع سند آشکار کرده

۱. امضاء اصیل و نماینده، یک عمل لغو و حشو می باشد؛ زیرا معلوم است وقتی که اصیل مبادرت به امضاء نماید دیگر نیازی به امضاء نماینده نیست، همچنان که در ادامه مقاله خواهید دید فقط در جایی که مهر اصیل و امضاء نماینده در کنار هم بیایند مهر اصیل، افشاء کننده سمت نماینده خواهد بود.

۲. یکی از نویسندگان از منظری دیگر و با توجه به مقررات اسناد تجاری به ویژه چک و مبانی حقوقی خارجی آنها هیچگونه موضوعیت و اثری برای مهر در صدور چک، ظهنویسی اسناد تجاری به معنای خاص و قبولی برات قائل نشده است (فخاری، ۱۳۸۷: ۵۳). این مطلب مربوط به مواردی است که مهر می تواند جایگزین امضاء باشد؛ بنابراین در مواردی که مهر جایگزین امضاء نیست از مهر می توان برای افشاء سمت امضاء کننده استفاده کرد. اگر این ویژگی مهر مبنای قانونی، قراردادی و یا متعارف داشته باشد فقدان مهر، مؤثر خواهد بود و منتسب^۵ الیه مهر را متعهد نمی گرداند.

باشد^۱ (Fuller and Eisenberg, 2001 : 71) از مهر شخص حقوقی - در صورت مختار بودن - در کنار امضای خود استفاده می نماید و یا آن که شخص ذیصلاح دیگری مهر شخص حقوقی را در کنار امضای نماینده شخص حقوقی، درج می کند، هر چند که معمولاً نماینده شخص حقوقی، شخص ذیصلاح و مختار در درج مهر هم می باشد. در چنین وضعی، فقدان مهر در سند، نقص به معنای واقعی تلقی نمی شود و فقط در حدی که بتواند قرینه ای برای نمایندگی امضاء کننده باشد واجد اثر و قابل استفاده می باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ۵۰؛ دمرچیلی، ۱۳۸۸: ۱۹۴).

شخص حقوقی، اهلیت تمتع از امضاء به معنای خاص و اثر انگشت را ندارد؛ به همین علت، اهلیت تمتع از مهر برای اعلام اراده انشائی منتفی می باشد، چون شخص حقوقی فاقد اراده انشائی است و مهر نیز برای اعلام اراده انشائی می باشد. شخص حقوقی دارای نماینده است و نماینده شخص حقوقی حتماً باید شخص حقیقی باشد که اراده نمایندگی خود را در تحقق موضوع نوشته و تبدیل نوشته به سند، با امضاء یا مهر یا اثر انگشت خودش اعمال کند. نماینده، با اراده اصلی خود به اعمال حقوق و ایفای تعهدات منوب عنه می پردازد. از سوی دیگر، مهر، اراده ظاهری و قالب مشخصی برای اعلام اراده باطنی می باشد، همان طور که امضاء و اثر انگشت نیز اینچنین است؛ پس شخصی که فاقد اراده باطنی باشد مهر برای او از این جهت معنایی نخواهد داشت. اگر مهر شخص حقوقی غیر از اثر افشاء کنندگی سمت نماینده، اثر دیگری همچون اثر امضاء یا اثر انگشت می داشت می باید به تنهایی هم اثر داشته باشد، اما اینگونه نیست، زیرا مهر، نشان و نماد شخص حقوقی می باشد و اعمال شخص حقوقی باید توسط نماینده انجام

1. This was one of the last surviving rules giving special significance to sealed contracts in some jurisdictions that had abolished or greatly reduced the significance of seals. The 1925 opinion in *Crowley v. Lewis*, 239 N.Y. 264, 146 N.E. 374 explains one reason the courts were not eager to dispense with this rule, as "many times the seal must have been used for the express purpose of relieving the undisclosed principal from personal liability"

شود (Pandia, 1976: 204) و نماینده باید نشان اراده خود را اعمال کند. این مطالب در مورد مهر شخص حقیقی فاقد اهلیت هم صادق است. گاه تصریح می شود که امضای نماینده همراه با مهر شخص حقوقی باشد؛ در این حالت، اصولاً لزومی به استفاده از مهر نیست و استفاده از مهر صرفاً جنبه افشاء کنندگی سمت امضاء کننده (نماینده) را دارد. بر این اساس، استفاده از مهر شخص حقوقی در کنار امضای نماینده، به عنوان تعدد امضاء تلقی نمی شود تا در صورت فقدان مهر، قائل به نقص امضاء شویم. البته ممکن است به حکم قانون یا قرارداد و اعلان، امضاء نماینده چنانچه فاقد مهر باشد منسوب به شخص حقوقی تلقی نشود؛ مانند موردی که در ماده ۴ قانون صدور چک آمده است.

در ماده ۵۵ قانون ثبت اسناد و املاک هم به استفاده از مهر در کنار امضاء تصریح شده است، لیکن ضمانت اجرای فقدان مهر را صریحاً بیان نکرده است. اصولاً در صورتی که نمایندگی امضاء کننده با هر دلیل دیگری ثابت باشد فقدان مهر در فرض اخیر را باید فاقد ضمانت اجرا دانست، اما در مورد اخیر، ظواهر قانونی و رویه مهر سردفتر را از مقوله تشریفات الزامی تلقی کرده (Ghestin, 1988: 290,291,292) و آن را نماد تفویض صلاحیت تنظیم سند از سوی حاکمیت به سردفتر می داند.

آنچه تا کنون بیان شد تعدد امضاء به نحو اجتماع مهر شخص حقوقی و نماینده آن بود، اما آیا مطالب مزبور درباره مهر شخص حقیقی و نماینده او هم صادق می باشد؟ قبل از پاسخ به این سؤال، لازم است یادآور شویم که وضعیت اشخاص حقیقی دارای اهلیت استیفاء، در داشتن و استفاده از مهر، با اشخاص حقوقی متفاوت است. اشخاص حقیقی می توانند دارای امضاء به معنای خاص و اثر انگشت باشند؛ علاوه بر این می توانند مهر هم داشته باشند و به جای امضاء به معنای خاص آن یا اثر انگشت، از مهر استفاده نمایند که این استفاده می تواند بالمباشره یا با واسطه از طریق اجیر یا وکیل صورت بگیرد. اما اشخاص حقوقی، فاقد امضاء به معنای خاص و اثر انگشت می باشند

و طبیعتاً مهر آنها هم خاصیت امضاء و اثر انگشت را ندارد. مهر اشخاص حقوقی مانند علامت سر برگ مکاتبات آنها می باشد.

در تعدد امضاء به نحو اجتماع، آیا مهر شخص حقیقی در ایجاد سند و عمل حقوقی موضوع آن، مؤثر است یا این که به مانند اشخاص حقوقی به طور کلی صرفاً دارای ویژگی افشاء کنندگی سمت نماینده است؟ به نظر می رسد در این مورد باید قائل به تفکیک شد؛ به طوری که اگر شخص حقیقی دارای اهلیت استیفاء باشد خیلی معنا ندارد که مهر اصیل، با امضاء نماینده قراردادی همراه باشد؛ زیرا یکی از آنها کفایت می کند مگر این که معتقد به جنبه افشاء کنندگی مهر باشیم. البته در اینجا باید بین نمایندگی در استفاده از مهر و بین نمایندگی در تنظیم سند و موضوع آن تفاوت قائل شد. در موردی که نماینده فقط در استفاده از مهر دارای نمایندگی باشد اثری از خود بر جای نمی گذارد و اثر مهر در چنین وضعی بستگی به اهلیت صاحب مهر دارد؛ اگر صاحب مهر دارای اهلیت استفاده از مهر باشد مهر مزبور هم آثار امضاء را خواهد داشت ولی در فرضی که نماینده برای تنظیم سند و تحقق عمل حقوقی موضوع آن نمایندگی داشته باشد به نام خود ولی به حساب دیگری عمل می نماید؛ بنابراین امضاء و معادل های آن باید منسوب به نماینده باشد.

اما اگر شخص حقیقی فاقد اهلیت استیفاء باشد وضعیت استفاده از مهر یک چنین شخصی مانند وضعیت استفاده مهر از شخص حقوقی است که پیش از این تحلیل و تبیین گردید.

نتیجه گیری

امضا و معادل های قانونی آن یعنی اثر انگشت و مهر، به عمل حقوقی موضوع نوشته اثر حقوقی، و به خود نوشته - با تبدیل آن به سند - اثر قضایی می بخشند. امضاء به معنای عام آن ممکن است واحد یا متعدد باشد. در فرضی که امضاء واحد می باشد ممکن است امضاء به طور کامل یا ناقص انجام گیرد؛ در این فرض، چنان چه امضاء به

طور ناقص باشد اصولاً هیچ یک از آثار حقوقی و قضایی ایجاد نخواهد شد؛ یعنی عمل حقوقی موضوع نوشته تحقق نمی یابد و نوشته نیز به سند تبدیل نمی شود.

گرچه اصل بر وحدت امضاء می باشد لیکن استثنائاً یا به حکم قانون، قرارداد و یا اعلان مؤثر، لازم می شود که امضاءها متعدد باشند. تعدد امضاء به صورت های مختلف قابل تصور است؛ بر همین اساس، وضعیت نقص امضاء در هر یک از این صورت ها و حکم هر کدام را باید به طور جداگانه بررسی نمود.

تعدد امضاء ممکن است به شکل امضاء و امضاء، امضاء و مهر، امضاء و اثر انگشت، مهر و اثر انگشت، امضاء و مهر و اثر انگشت باشد. برای تعدد امضاء و نقص در آن، صورت های زیر قابل تصور است:

صورت اول مربوط به هنگامی است که یک شخص اصالتاً باید بیش از یک امضاء - اعم از امضاء و امضاء یا امضاء و مهر و یا امضاء و اثر انگشت - بزند. این صورت در قوانین مشاهده نشده و چندان مرسوم نیست؛ لیکن توافق بر آن امکان پذیر است و می تواند مفید هم باشد. در هر حال، فقدان یک امضاء، در صورتی که شرایط قانونی یا قراردادی استناد به لزوم تعدد امضاء فراهم باشد موجب می شود که اثری بر نوشته مرتبط با امضای ناقص مترتب نباشد.

صورت دوم مربوط به هنگامی است که چند شخص باید اصالتاً نوشته ای را امضاء کنند؛ در این صورت نیز فقدان یک امضاء موجب نقص در امضاء شده و در نتیجه، اثری بر امضای ناقص به عمل آمده بار نخواهد شد؛ یعنی عمل موضوع نوشته تحقق نیافته و نوشته نیز به سند تبدیل نمی شود.

صورت سوم مربوط به هنگامی است که چند شخص باید نیابتاً نوشته ای را از سوی شخص حقیقی به طور اجتماع امضاء کنند؛ در این صورت نیز فقدان یک امضاء موجب نقص امضاء شده و در نتیجه، هیچ اثری از امضای ناقص موجود به بار نمی نشیند؛ یعنی نه عمل حقوقی موضوع نوشته تحقق می یابد، و نه این که نوشته به سند تبدیل می شود.

البته امضاء یا امضاء های به عمل آمده ممکن است حسب مورد در قالب ماده ۱۹۶ قانون مدنی و یا عمل فضولی اعم - از این که تنفیذ یا ردّ شود - توصیف و تحلیل گردند.

صورت چهارم مربوط به هنگامی است که نماینده یا نمایندگان باید از سوی شخص حقوقی نوشته ای را امضاء کنند. اگر لازم باشد چند نماینده نوشته را امضاء کنند حکم موضوع مانند صورت قبل است، اما گاه تصریح می شود که امضای نماینده همراه با مهر شخص حقوقی باشد؛ در این حالت اصولاً لزومی به استفاده از مهر نیست و استفاده از مهر صرفاً جنبه افشاء کنندگی سمت امضاکننده (نماینده) را دارد. بر این اساس، استفاده از مهر شخص حقوقی در کنار امضای نماینده، به عنوان تعدد امضاء تلقی نمی شود تا در صورت فقدان مهر قائل به نقص امضا شویم. در مواردی که قانون، قرارداد و یا اعلان مؤثر به استفاده از مهر به عنوان ابزار انحصاری افشاء سمت نماینده تصریح و تأکید نموده باشند مانند موارد مذکور در ماده ۴ قانون صدور چک، ماده ۵۵ قانون ثبت اسناد و املاک و اساسنامه بعضی از شرکت های تجاری، در این حالت، صرف امضاء نماینده - حتی اگر به روش های دیگری اعلام نمایندگی کرده باشد - به نمایندگی از شخص حقوقی محسوب نمی شود و در نتیجه، نوشته مزبور نسبت به شخص حقوقی سندیت ندارد.

چنان چه اصیل، شخص حقیقی باشد وضعیت استفاده از مهر اصیل در کنار امضای نماینده در دو حالت قابل بررسی است:

حالت اول این که اصیل شخص حقیقی دارای اهلیت استیفاء باشد که در این حالت اصولاً وقتی مهر می تواند جایگاه امضای اصیل باشد دیگر نیازی به امضای نماینده نیست و اگر اصیل قادر به زدن مهر نباشد حسب مورد از طریق اجیر یا وکیل اقدام می کند. استفاده از مهر در این حالت به منظور افشای سمت نماینده با نکته قبل همپوشانی دارد و تحت پوشش آن از موضوعیت می افتد.

اما حالت دوم آن است که اصیل حقیقی، فاقد اهلیت استیفاء باشد؛ در این حالت، وضعیت و حکم استفاده از مهر اصیل حقیقی فاقد اهلیت استیفاء، شبیه وضعیت و حکم استفاده از مهر اصیل حقوقی در کنار امضای نماینده آن می باشد.

منابع

- امامی، سید حسن (۱۳۷۴)، **حقوق مدنی**، ج ۶، چ ۵، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۷)، **علل نقض آرای کیفری در دیوان عالی کشور**، تهران: حقوقدان.
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۸)، **موازین حقوق تجارت در آرای دیوان عالی کشور**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۲)، **حقوق تجارت کاربردی**، تهران: نگاه بینه.
- پورارشد، نادر (۱۳۹۰)، **مطالعه حقوقی استفاده از اثر انگشت در تنظیم اسناد**، تحقیقات حقوقی آزاد، فصلنامه دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۱۲، ۵۳-۸۲.
- پورارشد، نادر (۱۳۹۲)، **امضاء در حقوق ایران**، مجله پژوهش های حقوق خصوصی، ۱، ۱-۱۶۱-۱۸۴.
- پورارشد، نادر (۱۳۹۴)، **امضاء، مهر و اثر انگشت در حقوق ایران**، تهران: مجلد.
- ثابت سعیدی، ارسلان (۱۳۸۶)، **حقوق بازرگانی**، تهران: دانشگاه پیام نور.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۲)، **دایره المعارف حقوقی**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۰)، **تأثیر اراده در حقوق مدنی**، چاپخانه گیلان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- دمرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ قرائتی، محسن (۱۳۸۵)، **قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی**، تهران: میثاق عدالت.
- دولت شاهی، فتح الله، مقاله **امضاء و تاریخچه پیدایش و موقع آن در اسناد**، بازیابی شده از www.shaaaparak.com
- دولت شاهی، فتح الله، مقاله **مهر و تاریخچه پیدایش و موقع آن در اسناد**، بازیابی شده از www.shaaaparak.com
- ساجدی، مهدی؛ امساکی، نوید (۱۴۰۰)، **رویکرد شناسی فقهی تقدّم اسناد رسمی بر عادی در نظام مسائل قضای اسلامی (پسشهاد اصلاحیه قانون ثبت اسناد)**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۵، ۲۸۹-۳۰۹.

- سلمان زاده، جعفر؛ عباسی، مصطفی (۱۳۹۷)، **تأثیر اکراه در ایقاع**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۸، ۱۸۳-۲۰۲.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۸)، **ادله اثبات دعوی**، تهران: درآک.
- صدرزاده افشار، سید محسن (۱۳۷۰)، **ادله اثبات دعوی در حقوق ایران**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- علمی، محمد (۱۳۸۶)، **تاریخچه پیدایش امضاء و مهر و آثار آن**، مجله کانون، ۷۷، ۱۳۰-۱۳۳.
- فخاری، امیرحسین (۱۳۸۷)، **اندیشه های حقوقی ۳، حقوق تجارت، مقاله امضاء و نقش آن در صدور چک**، تهران: مجد.
- قاسمی، محسن (۱۳۸۸)، **شکل گرایی در حقوق مدنی**، تهران: میزان.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹)، **قواعد عمومی قراردادها**، تهران: به نشر.
- کامیار، محمدرضا (۱۳۷۶)، **گزیده آرای دادگاه های حقوقی**، تهران: حقوقدان.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۶)، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، تهران: میزان.
- نجفی، حسین (۱۳۸۴)، **مقاله نقدی بر مقاله نقض امضاء در اسناد تعهدآور شرکت های سهامی**، ماهنامه کانون، ۵۸.
- ولی زاده، سلمان (۱۳۸۴)، **نقص امضاء در اسناد تعهدآور شرکت های سهامی**، ماهنامه کانون، ۵۶، ۴۳-۵۴.
- Fuller, Lon, and Eisenberg, Melvin (2001), **Basic Contract Law**, West Academic Publishing
- Ghestin, Jacques, *Traite de droit civil* (1988), **Les obligation**, Le contract, Formation. L.G.D.J . Paris.
- Pandia, Ranjitlal H (1976), **Principles of mercantile law**, N.M. Tripathi publication.
- Sammons, William C. **Beware of Seals**. available in www.tydingslaw.com
- Shears, Peter (1987), **law for General Course Studying of English law**, Pitman Publications.